

## دو راهی کنش تفاهمی و عقلانیت راهبردی در حکمرانی منابع آب

### مطالعه کیفی فرایندهای ارتباطی ذی‌نفعان آب دشت رفسنجان

سیده بهار زند رضوی\* ، هادی خانیکی\*\*

اکبر نصرالهی\*\*\* ، داریوش بوستانی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۳

#### چکیده

دولت در پنجاه سال اخیر در مدیریت منابع آب زیرزمینی موفقیتی به دست نیاورده است. در نتیجه گروهی پاسخ را در خصوصی‌سازی منابع مشترک و گروهی در مدیریت مشارکتی جست‌وجو می‌کنند. پژوهش حاضر در پی مقایسه نگرش ارتباطی گروه‌های ذی‌نفع نسبت به حکمرانی منابع آب زیرزمینی در دشت رفسنجان است. در این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند. در این پژوهش ۱۱۵ نفر از ذی‌نفعان در ۱۰ گروه کوچک بین ۱۰ تا ۱۵ نفر اطلاعاتشان از طریق بحث گروه متمرکز جمع‌آوری شد. دو مدل متفاوت در میان ذی‌نفعان قابل‌تحلیل است. گروه‌های علاقه‌مند به کنش تفاهمی، فقدان نهادهای مدنی در تنظیم قانون آب و سیاست‌های اشتغال‌زای آب محور را علت این وضعیت و استراتژی برون‌رفت را مشارکت، پاسخگویی و رعایت انصاف معرفی می‌کنند. در مقابل کنش دوم، علت را یارانه انرژی، ناآگاهی فنی کشاورزان و ابهام قوانین آب می‌داند و استراتژی پیشنهادی آنان بازار آب و آموزش ترویجی است. این دو کنش برخاسته از دو بینش تفاهمی مشارکت‌جویانه و عقلانیت راهبردی است که در عمل رابطه متفاوتی با مدیریت منابع آب زیرزمینی و پایداری آن برقرار می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** حکمرانی منابع، کنش تفاهمی، عقلانیت راهبردی، ناپایداری منابع آب

زیرزمینی، نظریه زمینه‌ای، رفسنجان

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

b.zandrazavi@hotmail.com

hadi.khaniki@gmail.com

\*\* استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

\*\*\* دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. akbar.nasrollahi@gmail.com

dboostani@uk.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

## ۱- مقدمه

در طی سال‌های گذشته محدودیت و کاهش ذخایر منابع آب زیرزمینی به‌طور مداوم در صدر اخبار کشور بوده است و به نظر می‌رسد کسانی که دغدغه این مسئله را دارند قادر نیستند بر سر راه‌حل‌ها به توافق برسند. آب‌های زیرزمینی به‌عنوان منابع مشترک شناخته می‌شوند، منابع مشترک که می‌توانند توسط انسان یا طبیعت ایجاد شوند منابعی هستند که استثنا کردن یا محدود کردن کاربران آن سخت است<sup>۱</sup>. برای مدیریت این منابع مشترک تاکنون نظریات متفاوتی در سطح دانشگاهی و کارشناسی مطرح شده است. این مدیریت امروزه با عنوان حکمرانی، معنای وسیع‌تری یافته است و به‌طور خاص حکمرانی آب زیرزمینی شامل مقررات سیاسی، سازمانی، اداری و شیوه‌ها و فرایندهایی (رسمی و غیررسمی) است که با آن تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود، ذی‌نفعان منابع خود را بیان کرده و نگرانی‌های خود را در نظر می‌گیرند و تصمیم‌گیرندگان در مورد مدیریت منابع آب و ارائه خدمات آب پاسخ می‌دهند. در این حال ذی‌نفعان نیز به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که دارای سهم یا علاقه در موضوعی مربوط به آب است و ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، از سیاست آب متأثر شده و یا توانایی تأثیرگذاری مثبت یا منفی بر نتیجه را داشته باشد<sup>۲</sup>.

گروهی پیشنهاد می‌کنند که دولت با تنظیم قوانین مانع مصرف بی‌رویه آب شود. ولی با توجه به عملکرد شکست‌خورده دولت در پنجاه سال اخیر نظریات دیگری شکل گرفته است که خصوصی‌سازی منابع آب زیرزمینی و مدیریت مشارکتی از جمله آنها بشمار می‌روند. دشت رفسنجان میدان مطالعه حاضر است. در طی ۵۰ سال گذشته گفته می‌شود میزان ذخایر سالانه آن از ۶۰۰ میلیون مترمکعب به ۳۰۰ میلیون مترمکعب

۱- استروم، الینور. (۱۹۹۴)، فهم تنوع نهادی. ترجمه سید جمال‌الدین محسنی زنوری، (۱۳۹۵)، تهران: نشر

دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۸

۲- سازمان بین‌المللی همکاری و توسعه اقتصادی. (۱۳۹۶)، یاریگری گروداران در حکمرانی فراگیر آب، ترجمه:

حمیدرضا درودیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

کاهش یافته است. بر طبق آخرین مطالعه شرکت آب منطقه ای کرمان در زمستان ۱۳۹۵ «مطالعه آسیب پذیری دشت های کرمان» پیش بینی می شود حتی در صورت مصرف متعارف ذخایر آبی، این منطقه برای رسیدن به تعادل دهه ۵۰ خورشیدی حداقل نیازمند ۱۳۰ سال بارش مناسب است. (میانگین بارش منطقه ۱۲۰ میلی متر در سال است).<sup>۱</sup> مرکز مطالعات سازمان جهاد کشاورزی خسارات ناشی از خشک شدن باغ های پسته را طی ده سال ۹۸/۵۷۹ میلیارد ریال برآورد کرده است (مرتضوی؛ سلیمانی و غفاری موفق، ۱۳۹۰: ۱۲۸). معیشت اصلی مردم منطقه کشاورزی است و کشاورزی نیز به شدت به آب زیرزمینی وابسته است. این وضعیت را می توان ناپایداری منابع آب زیرزمینی نام نهاد. در رسیدن به این وضعیت ناپایدار بدون شک عوامل بسیاری تأثیرگذار بودند، سؤال اصلی پژوهش آن است که چگونه ذی نفعان دشت رفسنجان این پدیده را توصیف و تبیین می کنند و از دریچه نگاه و روایت آنها این وضعیت ناپایدار چگونه شکل گرفته است و برای آن چه راه های برون رفتی تعریف می کنند. این سؤال را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

- چه شرایطی بستر ساز ناپایداری منابع آب زیرزمینی رفسنجان شده است؟
- چه شرایطی علت ناپایداری منابع آب زیرزمینی رفسنجان است؟
- چه کنش هایی برای خروج از وضعیت ناپایدار پیشنهاد می شود؟
- چه شرایطی بر انتخاب این کنش ها مؤثر است؟
- انتخاب این کنش ها چه پیامد ذهنی را در پی دارد؟

## ۲- پیشینه پژوهش

این مطالعات را می توان در دو دسته مطالعات داخلی و خارجی تقسیم کرد. مطالعات داخلی شامل مطالعات مربوط به ایران و مطالعات دشت رفسنجان است. کاوه مدنی

---

۱- دفتر مطالعات آب زیرزمینی استان کرمان. (۱۳۹۳)، گزارش مطالعه موردی دشت رفسنجان (سال آب ۹۲-۹۳) شرکت آب منطقه کرمان.

(۲۰۱۴) در مقاله «خشک‌سالی اقتصادی - اجتماعی ایران، چالش‌های یک ملت ورشکسته آبی» بر این باور است که عواملی همچون نداشتن درک صحیح از ریشه‌های مشکلات آبی، ساختار نامناسب حکمرانی و برنامه‌ریزی آبی، نبود هماهنگی میان متولیان آب کشور و هزینه‌های سیاسی مؤثر برای ایجاد و تغییرات مورد نیاز در بخش آب مانند افزایش قیمت حاملان انرژی مانع هرگونه تغییر اساسی می‌شود (Madani, 2014: 129).

حاتمی و نوربخش در مطالعه دیگری در مورد ذی‌نفعان آب زیرزمینی شرق اصفهان نشان می‌دهند که بحران آب به‌طور مستقیم با حکمرانی غلط در ارتباط است و این حکمرانی یک حکمرانی دولتی و فارغ از دخالت ذی‌نفعان است (حاتمی و نوربخش، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

در دشت رفسنجان مطالعات متعددی پیرامون منابع آب زیرزمینی انجام شده است. در این مطالعات از یک‌سو به نقش ذی‌نفعان و تنوع آن در حفاظت از منابع آب زیرزمینی توجه شده است و از سوی دیگر به روایت‌هایی که باعث این برداشت بی‌رویه می‌شوند، پرداخته‌اند. مقاله «ارزیابی ذی‌مدخلان در بخش آب» در پژوهشی که در دشت رفسنجان انجام داده است. از روش دفتر عمران سازمان ملل استفاده می‌کند تا درجه قدرت و منابع ذی‌نفعان را به ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری اولویت‌بندی کند. این مقاله ۴ سطح تعامل را معرفی می‌کند. تعامل نزدیک «تصمیمات مبتنی بر مشارکت همه ذی‌نفعان» را به‌عنوان سناریوی ایده آل مشخص می‌کند (غفوری فرد، باقری و شجری، ۱۳۹۴: ۱۸).

فرزانه، باقری و مؤمنی در پژوهش کیفی «تحلیل بسترمند چالش‌های حفاظت از منابع آب زیرزمینی» در محدوده دشت رفسنجان به تحلیل نقش مردم و دولت در اجرای سیاست حفاظت از منابع آب زیرزمینی می‌پردازند و سعی می‌کنند به این سؤال پاسخ دهند که چرا تدبیرهای دولتی نتوانسته‌اند روند افت آب زیرزمینی را متوقف سازند و چرا جامعه محلی عکس‌العملی نسبت به شرایط روبه‌زوال منابع از خود نشان

نمی‌دهد؟ این پژوهش نتیجه گرفته است که دلیل اصلی عدم اثربخشی تدابیر دولت برای حفاظت از منابع آب زیرزمینی در دیدگاه توسعه نامناسب و متوهمانه‌ای نهفته است که از یک‌سو نقش بهره‌برداران را برای مدیریت منابع آب نادیده گرفته است و آنها را به مصرف‌کنندگان تقلیل می‌دهد و از سوی دیگر نتوانسته است تشکیلات و نظام اداری و مدیریتی مناسب برای اعمال حفاظت فراهم نماید (فرزانه، باقری و مؤمنی، ۱۳۹۵: ۸۵).

مقاله «روش مشارکتی ساختاریافته در حمایت از تحلیل گزینه‌های سیاستی در سیستم‌های اجتماعی زیست‌محیطی» نشان می‌دهد کشاورزان دشت رفسنجان عدم تنوع منابع اقتصادی منطقه را در بروز بحران کمبود منابع آب مؤثر می‌دانند و اعتماد کمی به توان دولت در کنترل مصرف آب دارند (Mehryar, Sliuzas, Sharifi, Reckien & van Maarseveen, 2017: 199).

مقاله «مقصریابی: چگونه روایت محلی پاسخ اجتماعی را به سیلاب در دیترویت، میشیگان، واتربرگ و ورمانت شکل می‌دهد»<sup>۱</sup> دلیل سیلاب را به دو شکل بیان می‌کند. گروهی که سیلاب را از سوء مدیریت دولت می‌دانند پیشنهادشان تغییر عملکرد دولت است و آنهایی که تغییرات اقلیمی را در بروز سیل مقصر می‌دانند در سطح کلان‌تر بر کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای تأکید می‌کنند. مقاله بر این تأکید دارد که گروه‌های ذی‌نفع بسته به روایت تاریخی‌شان تصمیمات متفاوتی در مورد منابع در دسترس خود می‌گیرند.

مرور منابع نشان می‌دهد که برای پژوهشگران جایگاه ذی‌نفعان آب دارای اهمیت است و به نظر می‌رسد باوجود قریب به ۵۰ سال برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای حفاظت از منابع، ناپایداری منابع آب زیرزمینی به شدت افزایش یافته است و اکنون خود را در قالب یک بحران نشان می‌دهد. علیرغم تأکید پژوهش‌ها بر اهمیت نقش ذی‌نفعان،

---

1. Carmichael, c., Danks., C., & Vatovec, C. (2019). Assigning Blame: How Local Narratives Shape Community Responses to Extreme Flooding Events in Detroit, Michigan and Waterbury, Vermont. Environmental Communication. (abstrak)

به دیدگاه‌های آنها توجه کمی شده است. این مطالعات مشخص نمی‌کنند که ذی‌نفعان چگونه موضوع را تعریف کرده و برای آن راه‌حل تعریف می‌کنند.

### ۳- روش پژوهش

پژوهشگران برای گردآوری اطلاعات از فن بحث گروه متمرکز استفاده کرده‌اند و در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش زمینه‌ای استروس و کوربین بهره برده است (Strauss & Corbin, 1998: 169).

### مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

شرکت‌کنندگان این مطالعه ۱۱۵ نفر در ۱۰ گروه بین ۱۰ تا ۱۵ نفره از ذی‌نفعان محدوده مطالعاتی دشت رفسنجان هستند که طی فرآیندهای چندگانه نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند. بر اساس اطلاعات حاصل از پژوهش‌های قبلی در دشت رفسنجان ۷۰۰ نفر از ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی شناسایی شده بودند این پژوهش به‌طور هدفمند شرکت‌کنندگان را از میان این فهرست انتخاب کرد و برای حضور در بحث گروهی متمرکز دعوت نمود. در تحقیق حاضر برای انتخاب مشارکت‌کنندگان و مفاهیم از دو روش نمونه‌گیری استفاده شده است نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. فرآیند انتخاب گروه‌ها جهت اشباع نظری نسبت به ایده‌های طرح شده ادامه یافت تا حجم کل نمونه به ۱۱۵ نفر رسید. به‌طورکلی در روش نظریه زمینه‌ای حجم نمونه بالا نیست، اما در این پژوهش به دلیل ضرورت شناسایی الگوهای متنوع برای درک ارتباطی ذی‌نفعان، حجم نمونه افزایش یافت.

## جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند.<sup>۱</sup> تکنیک به کار گرفته شده در این پژوهش مصاحبه با تکنیک گروه متمرکز است. تکنیک بحث گروه متمرکز نوعی مباحثات گروهی هستند که در صدد کاوش دسته‌ای از جریانات معین می‌باشند. گروه روی یک بحث جمعی متمرکز می‌شود تا مسئله خاصی را بررسی کند. مشارکت‌کنندگان را تشویق می‌کند تا با یکدیگر صحبت کنند تجربیات یکدیگر را تفسیر کرده و نقطه نظرات خود را بیان کنند (Kitzinger & Barbour, 1999: 170).

به‌طور کلی با توجه به ماهیت روش‌شناسی نظریه‌ای زمینه‌ای سؤالات تحقیق طی چند مرحله استخراج و مجدداً جرح و تعدیل شدند. طی این فرایند خطوط کلی بحث گروه متمرکز به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند. این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد، یعنی زمانی که داده‌های جدیدی در فرایند کار خلق نشد. این تحلیلی بر مبنای سه شیوه کدگذاری (۱) باز (۲) محوری و (۳) انتخابی است (Strauss & Corbin, 1998: 28). تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از بحث گروه متمرکز در مرحله اول از طریق کدگذاری باز انجام شد، سپس با توجه به ایده‌های به دست آمده طبقات محوری شناسایی شدند و در نهایت از طریق کدگذاری انتخابی مشخص‌ترین ایده‌ها که قادر به توضیح دریافت و ارتباطات ذی‌نفعان دشت بودند به دست آمدند.<sup>۲</sup>

### قابلیت اعتماد<sup>۳</sup>

برای رسیدن به معیار اعتمادپذیری از سه تکنیک استفاده شده است: (۱) اعتباریابی تکنیک ممیزی؛<sup>۴</sup> متخصصین در مراحل مختلف کدگذاری مفهوم‌سازی و استخراج

1. Ibid. at68

2. Ibid.at29

3. Trustworthiness

4. Auditing

مقولات نظارت داشتند، ۲) بررسی توسط اعضا: ۱) در این شیوه از ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان طی مصاحبه‌هایی خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن نظر دهند. در روش ۳) اعتباریابی مقایسه‌های تحلیلی: ۲) به داده‌های خام رجوع و ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد. ۳)

### میدان تحقیق

محدوده مطالعاتی رفسنجان با وسعت ۱۲۴۲۱ کیلومتر مربع در حوزه آبریز کویر درانجیر واقع شده است. این محدوده شامل دشت‌های رفسنجان، کبوترخان و نوق در شمال دشت انار و کشکویی در شمال غربی رفسنجان است که کوه بدبخت کوه، دشت‌های نوق و انار را کاملاً از هم جدا کرده است. این محدوده در حاشیه کویر واقع شده و فاقد رودخانه دائمی و منابع آب سطحی است. آب آن از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود. عمده تغذیه دشت رفسنجان مربوط به مسیل‌های جنوب و جنوب غرب است که حیاتی کاملاً وابسته به بارندگی دارند (مرتضوی، سلیمانی و غفاری موفق، ۱۳۹۳: ۱۲۹). تعداد واحدهای بهره‌برداری از آب زیرزمینی دشت رفسنجان ۱۵۰۶ است که ۸۱ درصد آن متعلق به بهره‌برداری‌های کشاورزی است. ۴)

### ۴- یافته‌های پژوهش

این فصل حاصل تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل سه‌گانه کدگذاری است. به طوری کلی دستاورد تحقیق شامل ۲۶ مقوله اصلی و ۲ مقوله هسته‌ای است. همان‌طور که گفته شد تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه گروه متمرکز است. در بحث

1. Member check
2. Anaytical comparison
3. Ibid. at42

۴- دفتر مطالعات آب زیرزمینی استان کرمان، (۱۳۹۳)، گزارش مطالعه موردی دشت رفسنجان (سال آب ۹۲-۹۳)



گروه متمرکز ابتدا نشانگان کم‌آبی توسط مشارکت‌کنندگان توصیف شد. نتایج توافق این بود که: سطح آب ذخایر زیرزمینی که در طی ۵ دهه از حدود ۵۰ متر به ۳۰۰ متر رسیده است و بارش‌های منظم سالانه هم به پر شدن مخزن کمکی نمی‌کند، زمین نفوذناپذیر شده، نشست پیدا کرده، خاک شور شده است و هر ساله محصول کاهش می‌یابد و درختان بیشتری خشک می‌شوند.

با توافق بر سر نشانگان کم‌آبی این سؤال کلیدی طرح شد؛ «چطور شد به این وضعیت رسیدیم؟» بر اساس پاسخ‌ها مشارکت‌کنندگان ۲ مقوله هسته شکل گرفت و دو مدل اصلی طراحی شد. این دو مدل مبتنی بر مقولات هسته‌ای کنش تفاهمی مشارکت جویانه و کنش عقلانیت راهبردی هستند.

جدول ۱ - مفاهیم، مقولات اصلی و مقوله هسته‌ای در کنش تفاهمی مشارکت جویانه

مقوله هسته	مقولات	مفاهیم
کنش تفاهمی مشارکت جویانه	ازدحام بهره‌برداران	مجوز حفر چاه به گروه‌های مختلف در دوره‌های مختلف به بهانه رأی آوری، پاداش جنگاوری آسان شدن حفر چاه، مجاز شدن برداشت‌های غیرقانونی
	حوادث سیاسی ۵۷	تشکیل کمیته‌های انقلابی، مجوزهای کمیته‌های هفت نفره، مصادره اموال مالکین قدیمی
	خرد شدن اراضی	قانون ارث در اسلام، اضافه شدن مالکان خرد به واسطه سودآوری کشت پسته
	سیاست‌های اشتغال‌زای آب محور	تقدیر از توسعه کشاورزی، توسعه کشاورزی به قیمت فشار بر منابع، توزیع اعتبارات برای توسعه کشاورزی، توسعه با طرح‌های آب محور
	فقدان نهادهای مدنی در تدوین قانون	عدم مشارکت بهره‌برداران در تدوین قانون در گذشته، عدم انسجام در تدوین قانون به دلیل فقدان گفت‌وگو، ممانعت از آگاه شدن مردم از قانون، عدم پذیرش نهادهای مدنی
	ادراک تبعیض	ترس از برگشت به دوران ارباب‌رعیتی، نابرابری در پروانه

	بهره‌برداری، ترس از ناتوانی در حفظ زمین، ترس از، از دست دادن مجدد اموال
درخواست (رعایت) انصاف	تخصیص به تناسب برابر، تخصیص به تناسب معیشت، تخصیص به تناسب زمان حفر چاه، تخصیص به تناسب کارایی
ادراک سرمایه اجتماعی	وجود تشکل‌های مردم‌نهاد، فعالیت مدنی بخش خصوصی
ادراک اعتماد	امکان گفت‌وگو و اعتماد، تفاهم و قدرت انتخاب، تشکل میانجی و توافق
ادراک دارایی مشترک	مراقبت مشترک، تعلق همگانی، پنهان و غیرقابل تجزیه بودن
درخواست پاسخگویی	شفافیت طلبی، پایش دقیق منابع، جواب خواستن از مسئولین، جلوگیری از دادن وعده‌های بی‌اساس توسط مسئولین
درخواست مشارکت	اطلاع‌رسانی، آموزش، همکاری، نمایندگی، تشکل سازی از پایین

بر اساس جدول ۱ مقولات و مفاهیم دسته‌بندی شده‌اند. این مقولات عبارت‌اند از:  
**ازدحام بهره‌برداران:** از سال ۵۳ با وجود ممنوعیت دشت رفسنجان سیل مالکان بزرگ کوچک به حفر چاه و کشت پسته روی آوردند.

«در سال ۱۳۵۰ دشت رفسنجان ۴۰ حلقه چاه عمیق و ۱۶۱ رشته قنات داشت.»  
 اما با بهبود تکنولوژی حفر چاه و ارزان شدن آن حفاری‌ها آغاز شد، به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۴۰۰ حلقه چاه وجود دارد. «با آسان شدن حفاری همه شروع به چاه زدن کردند با اینکه دشت از سال ۵۳ ممنوعه اعلام شده بود.»

این وضعیت در سال ۵۷ و در آستانه انقلاب و بعدازآن نیز شدت گرفت. «هرکس رسید از خانواده جانباز، شهید و بیکار انواع اقسام چاه موتورها را دادند و الآن نمی‌توانند پس بگیرند.» گفته می‌شود سال ۸۹ نیز بعدازآن که مجلس برداشت‌های

غیرقانونی از منابع آب را مجاز اعلام کرد، مجدداً این ازدحام شدت گرفت و تعداد حلقه‌های چاه افزایش یافت.

**حوادث سیاسی ۵۷:** برای همه‌کسانی که از آب و زمین سهمی نداشتند یا سهم اندکی داشتند، انقلاب سال ۱۳۵۷ فرصتی شد. روستائیشینانی که در اصلاحات ارضی سهمشان باغچه کوچکی شده بود و کارگرانی که از اصلاحات ارضی جامانده بودند، به مطالبه‌گران آب و زمین تبدیل شدند (بطحی، ۱۳۷۷: ۴۸).

«یک کمیته انقلابی در دفتر امام‌جمعه تشکیل شد و شروع به صدور پروانه حفر چاه کرد.» این کمیته معروف به کمیته هفت‌نفره بود که گفته می‌شود در دشت رفسنجان مجوز بهره‌برداری بیش از ۴۵۰ حلقه چاه را در آن تاریخ صادر کرد.

«من و این حاجی و کسانی که سنشان بالاست روی زمین کار می‌کردیم کارگر بودیم، روزی ۳ تا یک تومنی به ما می‌دادند بعد انقلاب شد. چند تا از آقایان روحانی آمدند. ما هم می‌بایست همراهشان به بیابان برویم و تا پمپ بنزین کرمونی (فتحخالک فتحاً مبینا) پاکوئیم. این آقایان آمدند گفتند این‌ها کارگران ارباب هستند. مدتی زیر سلطه بودند. بیایید یک کمیته آب تشکیل دهیم به این‌ها که تظاهرات می‌آیند، پروانه بدهیم. جوری بشود که این‌ها برای خودشان کشاورزی کنند و زیر سلطه مالکان نباشند.»

هم‌زمان اموال تعدادی از مالکان بزرگ نیز مصادره و واگذار می‌شد. «اول انقلاب تا بیل‌هایشان صورتجلسه شد تا مصادره شود. بسیاری از مالکان مثل ... برای این‌که بتوانند املاکشان را نجات دهند و مصادره نشود به مباشرانی که امین‌شان بودند به قیمت اندکی اجاره دادند.»

**خرد شدن اراضی:** اصلاحات ارضی در رفسنجان تأثیر چندانی نداشت به دلیل آن‌که اکثریت اراضی باغ بودند. اما تعداد اندکی از کارگران زراعی مشمول آن شدند (همان: ۵۶).

«در آغاز دهه چهل ساختاری که نباید روستایی زمین و باغ داشته باشد، شکست. کارگران شروع کردند به باغ‌های کوچک درست کردن.» تا اوایل دهه ۷۰ هنوز بهره‌برداری‌های حاصل از اصلاحات ارضی و انقلاب چندان خرد نشده بودند. با پیر شدن و مرگ بهره‌برداران نسل اول، اراضی خردتر و کوچک‌تر شدند. تعداد بهره‌برداران نیز افزایش یافت. «اول کار ۱۲ نفر بودیم، حالا ۴۶ نفر شده‌ایم. تازه ما خوبیم. چاه موتورهایی را می‌شناسم که تا ۱۲۰ نفر مالک دارند. این قانون ارث است و کاری نمی‌شود کرد.» قانون ارث اسلامی به افزایش تعداد بهره‌برداران و خرد شدن اراضی کمک کرد. از طرف دیگر با افزایش قیمت پسته و تبدیل آن به محصول صادراتی گفته می‌شود افراد بسیاری از مشاغل دیگر با خرید آب در قطعات کوچک، باغات پسته خرد ایجاد کردند.

سیاست اشتغال‌زایی آب محور: توسعه کشاورزی در چند دهه اخیر دائماً تشویق شده است و خودکفایی محصولات کشاورزی همواره از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه بوده است.

«اوایل مقامات می‌آمدند خوشحال بودند که کشاورزی توسعه پیدا می‌کند. من به اندازه یک اتاق تقدیرنامه دارم که به عنوان کشاورز نمونه گرفته‌ام، الان هم دولت دارد اشتباه می‌کند که برای ایجاد اشتغال در روستا پول می‌پردازد. ولی نمی‌گوید برای چه اشتغالی و با چه فشاری بر آب.»

**فقدان نهادهای مدنی در تدوین قانون:** به نظر می‌رسد نهادهای مدنی از دوران پهلوی به‌ویژه نهادهای مدنی روستایی و کشاورزی تحت کنترل بودند. آگاه و حسنی (۱۳۹۳) بر این اعتقادند که کنترل اتحادیه‌ای صنفی روستایی برای حکومت از کنترل اتحادیه‌ای صنفی کارگری که در شهرها متمرکز بودند سخت‌تر بود بنابراین به‌طور جدی مانع شکل‌گیری نهادهای مدنی کشاورزی شدند (آگاه و حسنی، ۱۳۹۳: ۱۰).

«دولت نهادهای مدنی را سرخر می‌داند آنها را به جلسات دعوت نمی‌کند و می‌خواهد پشت درهای بسته برای آنها تصمیم بگیرد.»

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی کشاورزی روستایی بیشتر حکم الگوهای مملکت شمولی دارد تا ناحیه‌ای و منطقه‌ای فرهادی (۱۳۹۳) معتقد است: «جنبه‌های همه جاشمولی برنامه‌ها در اکثریت است» (فرهادی، ۱۳۸۳: ۲۰).

**ادراک تبعیض:** بهره‌برداران نسبت به اجرای طرح‌های دولتی کاهش برداشت آب نگران‌اند. بهره‌برداران قدیمی معتقدند:

«یک‌بار منابع آبمان را در سال ۵۷ از دست دادیم. بنابراین پروانه ما، نباید کاهش پیدا کند. حق تقدم با ماست.» اما بهره‌برداران متأخر که پروانه‌هایشان کمتر از بهره‌برداران قدیمی است می‌گویند: «اگر کاهش پروانه اجرا شود ما با مقدار آبی که برایمان باقی می‌ماند، قادر به کشاورزی نیستیم و مجبوریم آبمان را بدهیم دوباره بیل بدست بگیریم و برگردیم به دوران قبل از انقلاب، کارگری کنیم.»

- **درخواست رعایت انصاف:** مشارکت‌کنندگان درخواست انصاف داشتند اما این درخواست برای افراد تعاریف متفاوتی داشت.

- **بازتخصیص آب به نسبت برابر:** «باید این منطقه نجات پیدا کند. باید هرچه روی سفره است روی کل موتورهای موجود تقسیم شود.»

- **بازتخصیص به تناسب حقاچه:** «باید بر اساس پروانه بهره‌برداری رفتار کنیم چون میان پروانه‌ها اختلاف است، کاهش نیز باید به تناسب پروانه باشد.»

- **بازتخصیص به تناسب معیشت:** «من به حق قانونی مالکین بزرگ اذعان دارم اما باید عده‌ای از خودگذشتگی کنند. این می‌شود شبیه رعایت حق تقدم. شما می‌توانید بروید ولی ترمز می‌کنید و رعایت دیگران را می‌کنید تا رد شوند.» و «وقتی مردم با آب کم نتوانند بکارند فقیر می‌شوند، دزدی می‌کنند یا به حاشیه شهرها می‌روند و هزارتا مشکل درست می‌کنند.»

- **بازتخصیص به تناسب حق تقدم زمانی:** «باید پروانه کسانی کاهش پیدا کند که بعد از ممنوعیت دشت در سال ۵۳ چاه حفر کرده‌اند.»

- باز تخصیص به تناسب کارایی: «همه داستان ما اشتغال است. اینجا مالک یک باغ فقط مالک، نیست کارآفرین هم هست. کسانی که نمی‌دانند چطور محصول بدست بیاورند آب و زمین را خراب می‌کنند».

**سرمایه اجتماعی:** چند سال است که در رفسنجان شرکت‌های خصوصی متعددی در حوزه‌های مرتبط با تجارت و خدمات پسته فعالیت می‌کنند، تعدادی از آنها به آموزش و ترویج کشاورزی و مدیریت پایدار آب هم توجه نشان داده‌اند. یکی از این گروه‌ها نیز در ارتباط با آب به‌طور خاص فعالیت می‌کند. این گروه‌ها مستقل از نهادهای دولتی تشکیل شده‌اند. از طرف دیگر در برخی مناطق کانون‌های ترویجی جهاد کشاورزی هم توسط خود کشاورزان فعال شده‌اند. همچنین از سال ۹۷ تعدادی از کشاورزان علاقه‌مند شدند انجمن‌های دوستدار آب را تشکیل دهند.

**درخواست پاسخگویی:** مجازات قانونی برداشت کنندگان بیش از پروانه و شناسایی متخلفان، از خواسته‌های مشارکت‌کنندگان است. آنها می‌گویند دولت باید در مقابل مجوزهای بهره‌برداری بیش از توان سفره و وعده‌ای بی‌اساس نمایندگان پاسخگو باشد. از طرف دیگر هنوز آمار دقیقی از وضعیت واقعی بهره‌برداری در دشت وجود ندارد. انجام مطالعه دقیق و تعیین وضعیت دقیق سفره باید اولین کار دولت باشد. «مردم سی سال از زندگی و سرمایه‌شان گذاشتند و هیچ‌کس مسئولیت نمی‌پذیرد».

**درخواست مشارکت:** قبل از کاشت گسترده پسته در منطقه رفسنجان، محصولات اصلی گندم و پنبه بودند. کاشت پنبه نیازمند همیاری کشاورزان بود.

«در قدیم که پسته نبود ما پنبه می‌کاشتیم. باید کل زمین را آب می‌دادند بعد با بیل برمی‌گرداندند با چوب‌های بزرگ میخ‌های فلزی را در زمین می‌کردند. پنبه‌دانه را خیس می‌کردند و می‌ریختند داخل این‌ها، ناچار باید یک جمعی بودند. نمی‌توانستند تک نفر کار کنند. حساب نمی‌کردند که تو چند هکتار بیشتر یا کمتر داری، همه باهم می‌رفتند».

امروزه در برداشت پسته این همیاری از بین رفته است. از سوی دیگر علاقه‌مندی برای همکاری از بین نرفته است. «ما کشاورزان خوبی داریم. آنها خودشان می‌توانند به ما یاد بدهند. ما هر هفته در کانون جمع می‌شویم و درباره مشکلاتمان حرف می‌زنیم. نهادهای ترویجی خصوصی هم هر هفته جلساتی را برای کشاورزان علاقه‌مند تشکیل داده و مشاوره می‌دهند.»

این علاقه‌مندی در کشاورزان وجود دارد که به جلسات اداری دعوت شوند. آنها می‌گویند که خواهان آن هستند که از تصمیمات دولت باخبر شده و نماینده داشته باشند. «بعضی از کشاورزان همیشه به جلسات دعوت می‌شوند. ما هم می‌خواهیم نماینده داشته باشیم و بفهمیم چه خبر شده و نظر ما را هم بپرسند.» درخواست دیگر کشاورزان داشتن تشکل است. تشکلی که توسط خودشان ایجاد شود. آنها تأکید می‌کنند که دولت نباید تشکل سازی کند. «خودشان (دولت) نیایند یک تشکل به نام ما درست کنند.» و «من نه جامعه‌شناسم و نه در این کار سررشته‌ای دارم فقط می‌دانم باید تشکلی از پایین درست شود مثل همان زمان قدیم.»

**ادراک دارایی مشترک:** سفره‌های آب زیرزمینی دارایی مشترکی محسوب می‌شوند که بهره‌برداری هر فرد بر بهره‌برداری دیگران تأثیر می‌گذارد. «آب یک کالای معمولی نیست اگر من اینجا بکشم آن طرف کم می‌شود. بیسکوییت که نیست یک کالای غیرقابل تجزیه و زیرزمینی است که دیده نمی‌شود.» و «فایده ندارد من تنهایی مراقب آب باشم. اگر من نکشم دیگری می‌کشد. همه باید مراقب این منبع باشیم.» گفته‌های مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که آنها ویژگی‌هایی همچون پنهان و غیرقابل تجزیه بودن، نیاز به مراقبت مشترک و احساس تعلق همگانی را دریافته‌اند. این حاکی از ادراک آنها از آب زیرزمینی به‌عنوان دارایی مشترک است.

**ادراک اعتماد:** برای حفظ منبع و پایداری آن شرکت‌کنندگان بر اعتماد میان خودشان و ایجاد یک تشکل میانجی میان بهره‌برداران و دولت تأکید داشتند. «اگر حل مسئله توسط یک تشکل بی‌طرف صورت گیرد، تفاهم بر سر آب اتفاق می‌افتد و منابع

درازدت کشور حفظ می‌شود.» «اگر مردم و مسئولین بتوانند در مسئله آب با هم گفتگو کنند اعتماد در جامعه افزایش می‌یابد.» و «اگر تشکلی در روستای من باشد برای مثال ما ۱۰ چاه موتور داریم ما خودمان آب را محافظت می‌کنیم».

**مقوله هسته‌ای کنش تفاهمی مشارکت جویانه:** «کنش تفاهمی مشارکت جویانه»

از ترکیب مقولات اصلی پیش‌تر یادشده بدست آمده است. شرکت‌کنندگان با فهم و تفسیر شرایطی که منجر به کاهش ذخایر آب زیرزمینی شده است استراتژی‌های خود را برای خروج از این شرایط در قالب درخواست پاسخگویی، رعایت انصاف و مشارکت بیان کردند. از سوی دیگر اشاره به ویژگی‌های دارایی مشترک نشان از احساس تعلق در میان شرکت‌کنندگان نسبت به منبع است. درخواست‌هایی که به برپایی تشکل برای حفاظت از منبع اشاره می‌کند نشان از آمادگی و کنشگری فعال و تفاهمی برای تصمیم‌سازی در حفاظت از ذخایر آب زیرزمینی دارد.



جدول ۲ - مفاهیم، مقولات اصلی و مقوله هسته‌ای در کنش عقلانیت راهبردی

هسته	مقوله اصلی	مفاهیم
کنش عقلانیت راهبردی	قوانین آب در ابهام	ایراد به شکل اجرای قانون، تفسیر بردار بودن عبارات، عدم نگاه یکپارچه به منابع، اختلافات سیاسی و ابهام در متن قانون
	یارانه انرژی	ارزانی آبکشی از اعماق زمین، امتیازدهی به مصرف‌کنندگان آب، یارانه گازوئیل، برنده بودن برحسب مصرف بیشتر، مصرف بی حساب و کتاب
	ناآگاهی فنی کشاورزان	بی‌سوادی، ناآگاهی کشاورزان از مجوزهای قانونی بهره‌برداری
	سیاست‌های اشتغالزای آب محور	تقدیر از توسعه کشاورزی، توسعه کشاورزی به قیمت فشار بر منابع، توزیع اعتبارات برای توسعه کشاورزی، توسعه با طرح‌های آب محور
	ازدحام بهره‌برداران	مجوز حفر چاه به گروه‌های مختلف در دوره‌های مختلف به بهانه رأی آوری، پاداش جنگاوری، عدم به رسمیت شناختن بهره‌برداران متقدم، آسان شدن حفر چاه، مجاز شدن برداشت‌های غیرقانونی
	ادراک ناکارآمدی دولت	بی‌مسئولیتی دولت در بازه زمانی طولانی، عدم اجرای وظیفه، عدم نظارت دولت، طلبکاری دولت، کاهش کیفیت و کمیت عملکرد دولتی، کاهش استانداردهای پایش، فقدان اطلاعات در مراجع دولتی، دست‌کاری در آمار، جایگزینی غلط چاه توسط دولت، فعالیت‌های تخریبی دولت
	بازار محلی آب	بازار غیررسمی آب، کشف قیمت آب از طریق بازار، مکانیزم بازار، اصلاح قانون، ظرفیت محلی ایجاد بازار آب، مجاز بودن فروش برای همه بنگاه‌های آب بر، بهره‌وری با خرید و فروش
	آموزش ترویجی	آموزش فنی کشاورزان، اقناع‌سازی مردم و کم‌آبی، آموزش هدفمند، ترویج روش‌های نوین کشاورزی، استفاده از فناوری‌هایی که برداشت آب را غیرممکن کند.
	ادراک به‌عنوان کالای خصوصی	محاسبه مصرف، کمیابی کالای آب، قیمت و ارزش، قیمت و مدیریت

در جدول ۲ مفاهیم و مقوله‌های اصلی بر اساس یافته‌ها دسته‌بندی شده‌اند. این موارد عبارت‌اند از:

**قوانین مبهم آب:** شرکت‌کنندگان معتقد بودند ابهام در حقوق مالکیت، تفسیر بردار بودن عبارات، نبود نگاه یکپارچه به منابع و اختلافات سیاسی از موارد ابهام قوانین به شمار می‌رود.

«در گذشته قنوت مالکیت خصوصی داشتند. بعد از آن که طبق قانون در سال ۴۷ به مالکیت ملی درآمدند طرح دوم مرحله‌ای از سوی دولت پیشنهاد شد شامل مرحله اول پایش منابع و مرحله دوم تصرف منابع توسط دولت. اما در عمل این اتفاق نیفتاد به عبارت دیگر دولت نتوانست فرآیند ملی شدن که همان خریداری کلیه زمین‌ها از بهره‌برداران سابق بود را انجام دهد.»

شرکت‌کنندگان بر این باورند که مبهم نویسی زمینه سوء استفاده از متن حقوق آب را فراهم کرده است و ابهام حاصل اختلافات سیاسی و عدم مباحثه تخصصی بوده است. «قوانین آب بعد از انقلاب توسط کسانی نوشته شد که درکی از قوانین آب نداشته‌اند یا خواهان سوء استفاده از مفاهیم مبهم بودند.» «بخشی به علت مسائل سیاسی آن دوران به طوری که در بازنویسی قانون آب هر جا که با کلمه ملی شدن روبرو شده‌اند آن را حذف کردند.»

**ناآگاهی فنی کشاورزان:** استفاده از تکنولوژی جدید فهم میزان آب بر حسب لیتر، ساعت کارکرد و پروانه‌های بهره‌برداری برای بهره‌برداران جدید آسان نبود.

«ما بی حساب و کتاب کار کردیم. سرمان نمی‌شد چه قدر لیتر آب و برای چه کاری پروانه صادر می‌شود، پروانه برای مرغداری صادر شده بود و ما با آن پسته می‌کاشتیم.»

**ناکارآمدی دولت:** دولت کارآمد، دولتی است که صاحب اطلاعات است. مطالعات کیفی و کمی دقیق انجام می‌دهد. به دقت نظارت می‌کند و استانداردهای پایش منابع در دولت به روز شده است. به باور مشارکت‌کنندگان دولت ناکارآمد است چون هیچ‌کدام از این موارد وجود ندارد.

«کمیت و کیفیت کارهای مطالعاتی گذشته (قبل از ۱۳۵۱) با فعالیتهای کنونی در سطح کشور قابل مقایسه نیست. در این چند سال فقط با استفاده از چاههای مشاهده‌ای و پیژومتری به آماربرداری اقدام کرده‌اند و برای سنجش تغییرات سالیانه سطح آب زیرزمینی صرفاً به جمع‌آوری آمار بارندگی و اندازه‌گیری دبی رودخانه‌ها اکتفا شده است.»

اعتقاد به ناکارآمدی دولت بی‌اعتمادی را هم افزایش داده است. «مدیریت دولتی هیچ اطلاعاتی در مورد بهره‌وری و برداشت آب ندارد. همه چیز غیرعلمی و سیاسی است. دولت با ندانم‌کاری و زدن چاه در بالادست حریم‌ها در هر دوره، خودش قنات‌ها را خشک کرده است.»

#### سیاست‌های اشتغال‌زای آب‌محور: شرکت‌کنندگان به سیاست‌های اشتغال‌زایی در

منطقه اعتراض دارند و معتقدند در توسعه منطقه به مسئله کمبود آب توجه نمی‌شود.

«بدون توجه به شرایط محیطی و منابع، صنایع آب‌بری در منطقه ایجاد شده است. بدون توجه به طرح‌های آمایش سرزمین وسط کویر کارخانه فولاد می‌زنند.» و «برای گسترش کشاورزی اعتبارات داده می‌شود. الآن شعار می‌دهند آب مصرف نکنیم اما برای تجهیزات کشاورزی و از جمله نهال، وام پرداخت می‌کنند.»

#### درخواست آموزش ترویجی (فنی): آموزش ترویجی به ارتقا دانش فنی و نظری

بهره‌برداران توجه دارد. برنامه‌های ترویجی، کلاس آموزشی، مزارع نمایشی، مراجعه به کار مزرعه‌ها و مددکاران در مجموعه جهاد کشاورزی در راستای آموزش فنی ترویج است. شرکت‌کنندگان نسبت به کیفیت و کمیت این آموزش منتقدند.

«کشاورزان نسبت به شیوه‌های آبیاری جدید ناآگاه هستند. باید آموزش ببینند بفهمند چه کودی را از چه طریقی با آبیاری درست به درخت بدهند.» و «مردم باید باور کنند که آب نیست و این نیاز به آموزش دارد». علاوه بر این شرکت‌کنندگان بر این باورند که نباید آموزش‌های ترویجی فقط به کشاورزان داده شود و باید سایر گروه‌ها را نیز در برگیرد. «این

آموزش فقط به کشاورزان نباید اکتفا کند باید مسئولان دولتی قوه قضائیه و نمایندگان مجلس هم آموزش ببینند. اگر مسئولین آموزش ببیند این طرح‌های عجیب و غریب را نمی‌دهند.»

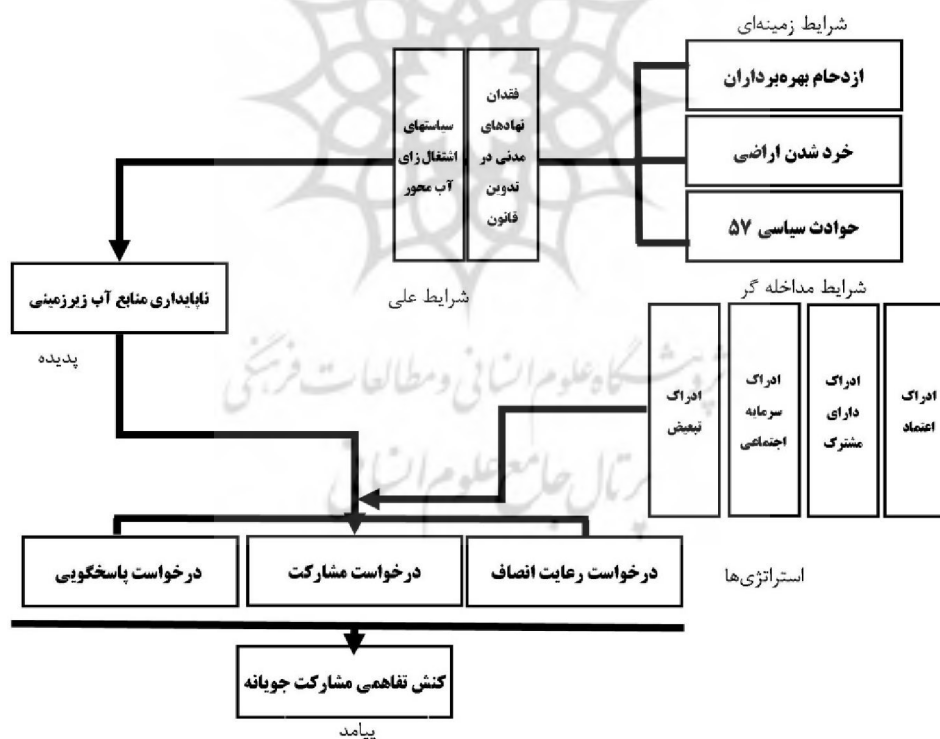
**آب به‌عنوان کالایی خصوصی:** کالای آب از منظر شرکت‌کنندگان کالایی اقتصادی و کمیاب توصیف می‌شود. «آب یک منبع اقتصادی است مثل خم طلا، نمی‌شود انتظار داشت آن را روی زمین بریزید و بگویید آن را نذریدید.» برخی شرکت‌کنندگان معتقدند وقتی آب قیمت نداشته باشد، انگیزه‌ای نیز برای مدیریت آن وجود ندارد. «آب بی‌ارزش‌ترین کالایی است که ما داریم در صورتی که اگر قیمت داشت این‌طور هدر نمی‌رفت». شرکت‌کنندگان بر محاسبه مصرف و صرفه‌جویی تأکید دارند و معتقدند محاسبه مصرف آب برای هر کیلو پسته آموختنی است و مدیریت آب بدون توجه به چنین محاسبه‌ای غیرممکن است. «ما هنوز نمی‌دانیم برای یک کیلو پسته چقدر آب مصرف کنیم درحالی که همه باید یاد بگیرند مصرف آب خود را محاسبه کنند.»

**درخواست بازار محلی آب:** درخواست برپایی بازار آب و انتقال آب به اراضی مرغوب‌تری یکی از راه‌های مطلوب برای مشارکت‌کنندگان است این درخواست در حال حاضر به لحاظ قانونی ممنوع است. مشارکت‌کنندگان درخواست تغییر قانون را دارند. «برای اجرای بازار آب کافی است دولت ماده ۲۷، ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب را معلق کند.» درخواست دیگر رسمیت دادن به بازارهای غیررسمی آب است. «بازار غیررسمی آب همین الآن هم وجود دارد. این بازار را به‌عنوان بازار اصلی رسمیت دهیم.» شرکت‌کنندگان باور دارند بازار و قیمت‌گذاری آب به پایداری آن منجر می‌شود. در منطقه نیز ظرفیت محلی برای تشکیل بازار وجود دارد. «شرکت احیا ۶۰۰۰ سهامدار دارد با شناسایی این گروه از بهره‌برداران قادر است بازار آب را به‌طور رسمی برپا کند و بهره‌وری آب حاصل خرید و فروش و مبادله آن است.»

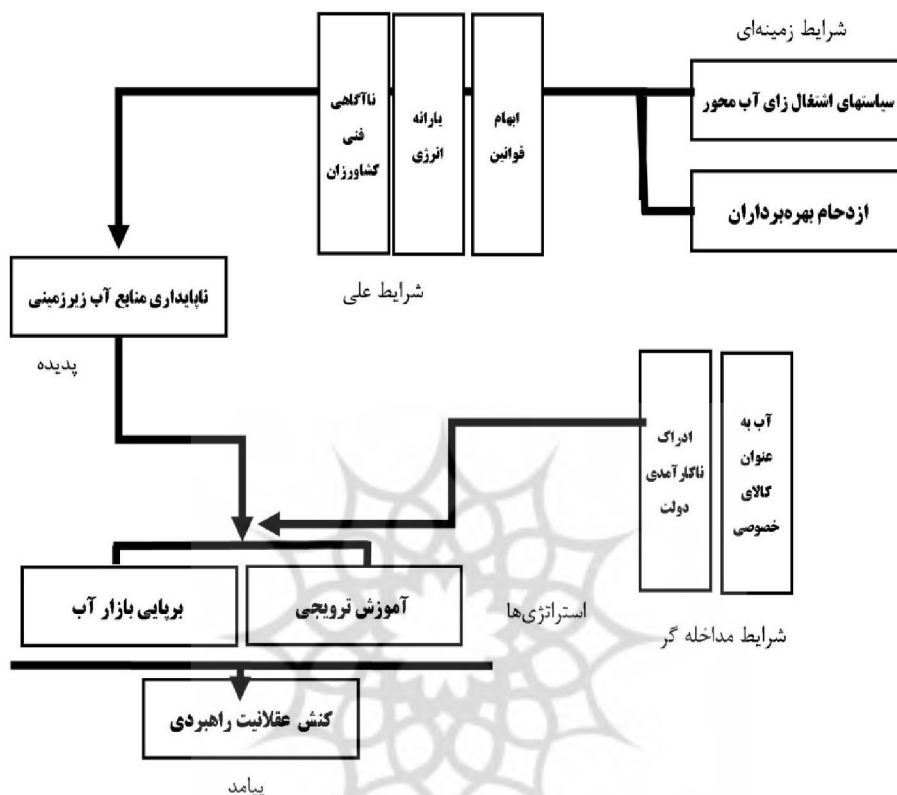
**مقوله هسته‌ای کنش عقلانیت راهبردی:** مقوله «کنش عقلانیت راهبردی» با ترکیب مقولات طرح‌شده، تعریف می‌شود. کنش عقلانی به مسائلی همچون مبادله محاسبه پذیر، کنش معطوف به سود، منابع آزاد که بر مبنای کارایی و سازماندهی مبادله

شوند، اطلاق می‌شود. مفاهیمی از این دست در نگاه شرکت‌کنندگان چنین توصیف شده‌اند؛ «اگر بازار ایجاد شود، آب قیمت پیدا کند، آب با ارزش خواهد شد و مردم آن را هدر نمی‌دهند.» و «نمی‌توان مردم را به استفاده از آبیاری تحت فشار وادار کرد وقتی که آب رایگان است.» از این منظر وقتی آب قیمت نداشته باشد انگیزه‌ای برای مدیریت آن وجود ندارد.

همچنین تأکید بر مطالعات فنی دقیق و روشن شدن آمار و اطلاعات در مقوله ناکارآمدی دولت، درک یارانه انرژی و ابهام در قوانین آب بخشی از این عقلانیت راهبردی را نمایان می‌کند. درخواست ارائه آموزش‌های ترویجی (فنی) برای گروه‌های ذی‌نفع و برپایی بازار محلی آب بخشی دیگر از ابعاد کنش عقلانیت راهبردی هستند.



مدل ۱ - تبیین ناپایداری آب زیرزمینی و حکمرانی مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه



مدل ۲- تبیین ناپایداری آب زیرزمینی و حکمرانی مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

مدل‌های ارائه‌شده از ناپایداری منابع آب زیرزمینی رفسنجان دو روایت متفاوت را نشان می‌دهد. با توجه به دو مقوله هسته‌ای کنش تفاهمی مشارکت جویانه و کنش عقلانیت راهبردی این دو روایت از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

در مدل شماره ۱ ازدحام بهره‌برداران، خرد شدن و حوادث سیاسی سال ۵۷ زمینه بروز وضعیت ناپایدار را فراهم کرده‌اند. علت این ناپایداری سیاست‌های اشتغال‌زای آب محور و فقدان نهادهای مدنی در تدوین قانون است. درخواست پاسخگویی،

مشارکت و رعایت در این مدل بر اساس شرایط مطرح شده مدنظر است و این درخواست با نگاه به همه بازیگران حکمرانی مطرح می‌شود. ذی‌نفعان تبعیض را ادراک می‌کنند و در نتیجه خواهان رعایت انصاف و پاسخگویی هستند. با ادراک سرمایه اجتماعی، اعتماد و دارایی مشترک، مشارکت را به‌عنوان راه مؤثر برای خروج از وضعیت ناپایدار معرفی می‌کنند. کنش تفاهمی مشارکت جویانه بیانگر شکل‌گیری نوعی تفکر معطوف به تفاهم برای بهبود حکمرانی منابع آب زیرزمینی است.

در مدل شماره ۲ ابهام قوانین، ازدحام بهره‌برداران و سیاست‌های اشتغال‌زای آب محور دولتی زمینه‌ساز ناتوانی در حکمرانی منابع عنوان شده است. عواملی مثل یارانه انرژی و بی‌اطلاعی مصرف‌کنندگان از مصرف بهینه باعث شرایط ناپایدار هستند. در نگاه کنشگران معتقد به کنش عقلانیت راهبردی شرایط به نحوی است که برپایی بازار آب و آموزش ترویجی با نگاه فنی می‌تواند راهگشای خروج از این وضعیت باشد. ذی‌نفعان، دولت را ناکارآمد می‌دانند و آب را به‌عنوان یک کالای خصوصی ادراک می‌کنند. در نتیجه خواهان برپایی بازار به‌عنوان یک مکانیزم غیردولتی هستند. این درخواست‌ها نگرشی جامع به همه بازیگران حکمرانی ندارند. در واقع در صدد کاهش دخالت دولت بوده و خواهان فعال کردن مکانیزم بازار در جهت بازتخصیص بهینه منابع و کاهش ضرر ذی‌نفعان و بهبود این وضعیت هستند. کنش عقلانیت راهبردی در این مدل بیانگر شکل‌گیری نوعی تفکر محاسبه‌گر و معطوف به سود و زیان در رابطه با حکمرانی منابع آب زیرزمینی است.

مفاهیم مطرح شده و مقولات اصلی استخراج شده نشان می‌دهد که در برخی موارد این دو مدل شباهت‌های نیز دارند. این موارد عبارت‌اند از:

هر دو ازدحام بهره‌برداران را به‌عنوان بستر و زمینه‌ساز پایداری منابع به رسمیت می‌شناسند. ازدحام بهره‌برداران و هجوم آنها برای افزایش بهره‌برداری، اصل پایه‌ای در ناتوانی مدیریت منابع است. ورود و خروج بهره‌بردارانی که بدون قاعده روشن صورت می‌گیرد و امکان حفاظت و پایداری را کاهش می‌دهد. مطالعات در زمینه منابع مشترک

نشان می‌دهد برای پایداری یک منبع، باید تعریف روشنی از مرزهای یک منبع وجود داشته باشد. مشخص شود چه کسانی حق استفاده از یک منبع را دارند و معیارهای بهره‌برداری برای یک عضو مشخص باشد. وقتی این اصول و معیارها خدشه‌دار شوند و افراد بیشتری از منبع استفاده کنند این ازدحام بهره‌برداران به نقطه‌ای از بهره‌برداری ختم می‌شود که در علم اقتصاد آن را تراژدی منابع می‌خوانند (اخلاصی‌پور، ۱۳۹۴: ۶۳).

هر دو روایت به اثر سیاست‌های اشتغال‌زایی آب محور (دولتی) واقف هستند و مشارکت‌کنندگان این مسئله را مهم می‌دانند. همان‌طور که تحقیقات اخیر در مقالاتی مانند سایه شوم ورشکستی آبی در ایران نشان داده است، آرمان‌های حاکمیت و تلاش‌های نظام سیاسی کشور برای خودکفایی مواد غذایی منجر به افزایش استفاده شدید از منابع آب شده است. تمرکز دولت بر خودکفایی گندم به‌عنوان یک محصول کشاورزی استراتژیک و مؤلفه کلیدی در رژیم غذایی ساکنان این مرزوبوم نقش اساسی در بروز مشکلات آب کشور ایفا کرده است. در منطقه رفسنجان نیز تشویق به کشت گندم و سپس کشت پسته ناظر به همین مسئله است (Collins, 2017: 4).

مقولات اصلی استخراج شده در برخی موارد با هم متفاوت هستند. این موارد

عبارت‌اند از:

خرد شدن اراضی و حوادث سیاسی سال ۵۷ از نظر مدل مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه بستر ساز ناپایداری منابع هستند. در حالی که مدل مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی، سیاست‌های اشتغال‌زای چهل سال اخیر اهمیت بیشتری دارد. هر دو مدل به شرایط تاریخی بستر ساز پدیده اشاره می‌کنند اما در مدل مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه، تاریخ پدیده قبل از اصلاحات اراضی شروع می‌شود و در مدل دیگر تاریخ پدیده ۴۰ ساله است.

فقدان نهادهای مدنی در تدوین قانون و سیاست‌های اشتغال‌زای آب محور، از منظر مدل مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه کلیدی‌ترین دلایل در شکل‌گیری پدیده ناپایداری منابع آب زیرزمینی هستند. یعنی مردم در تدوین قانون دخالت داده نشدند، دولت فشار اشتغال را بر منابع آب زیرزمینی گذاشته و باعث ناپایداری در منابع



شده است، درحالی که در مدل مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی یارانه انرژی، قوانین مبهم آب و ناآگاهی فنی کشاورزان دلایل اصلی هستند.

هر دو مدل بخشی از روایت را بیان می‌کنند. اما نقد مدل حکمرانی مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی به ساختار اقتصادی دولت محور است که با تشویق مصرف‌کنندگان و عدم حفاظت از منابع، مصرف‌کنندگان ناآگاه را به حال خود رها کرده است. وجود چنین نگرشی در تاریخ توسعه که فرد را مورد سرزنش قرار می‌دهد در دهه ۷۰ در نظریات پارادایم نوسازی رایج شد. فرضیات پارادایم نوسازی ریشه در نظریه تغییر از بیرون داشت. فرض بر این بود که کنترل شدید، بی‌تفاوتی، تقدیرگرایی و بیکاری باعث تحکیم عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم شده بود. وضعیت زمانی تغییر پیدا کرد که کشورهای توسعه‌یافته ابزارها، دانش و روش کار را تولید کردند و جهان سوم را وادار به عمل کردند. به نظر می‌رسد این نگرش از بالا به پایین که فرد را مقصر می‌داند در ادراک کنشگران معتقد به کنش عقلانیت راهبردی از شرایط ناپایداری منابع وجود دارد (فرهنگی، دانایی و جامع، ۱۳۸۸: ۴۸). برای درک بهتر اختلاف میان شرایط مداخله‌گر در دو مدل توجه به استراتژی‌های اتخاذشده نیز ضروری است.

ادراک تبعیض و سرمایه اجتماعی مقوله‌های هستند که در مدل کنش تفاهمی مشارکت جویانه مؤثر در نظر گرفته شده‌اند اما در مدل دیگر ادراک نشده‌اند. ادراک تبعیض با ابعادی همچون نابرابری در پروانه بهره‌برداری و ترس از بازگشت به گذشته گره خورده است و سرمایه اجتماعی به نقش مثبت نهادهای مدنی اشاره دارد. استروم (۱۳۸۵) معتقد است که منابع آبی مشترک مادامی که بهره‌برداران به صورت فیزیکی به آن نزدیک و با یکدیگر در ارتباط باشند می‌توانند به گونه‌ای مؤثر به شکل جمعی و بدون کنترل دولتی یا خصوصی مدیریت خواهند شد (Ostrom, 1990: 129).

در مدل مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه، کنش پیشنهادی مشارکت، پاسخگویی و رعایت انصاف است. مرجع این درخواست‌ها لزوماً دولت یا بخش خصوصی نیست. این درخواست‌ها نسبت به همه ذی‌نفعان مطرح می‌شود. تفکری که

منشأ چنین درخواست‌هایی است؛ درک آب به‌عنوان یک منبع مشترک است. در مدل مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی آب یک کالای خصوصی است. در نتیجه کنشگران باید قادر باشند از طریق بازار سهم تحت مالکیت خود را مبادله کنند. وقتی کنشگران آب را به‌عنوان یک کالای خصوصی ادراک می‌کنند، تفکر عقلانی حکم می‌کند که سود و زیان خود را محاسبه کنند. از آنجاکه ناپایداری منابع مشترک احتمالاً منجر به زیان می‌شود. بنابراین عقلانیت محاسباتی بایستی آموخته شود.

درک متفاوت از مالکیت آب، کنش ارتباطی پیرامون آن را نیز با اختلاف روبه‌رو می‌کند به طوری که بر اساس مدل مبتنی بر کنش عقلانیت راهبردی، کنش تفاهمی غیرعقلانی است. درحالی‌که از منظر هابرماس (۱۳۸۴) کنش تفاهمی نیز یک کنش عقلانی (عقلانیت ارتباطی) است. در این حالت کنشگران نه از طریق محاسبات خودخواهانه بلکه از طریق حصول تفاهم هماهنگ می‌شوند. همان‌طور که هابرماس توضیح می‌دهد در کنش ارتباطی مشارکت‌کنندگان در وهله اول به‌سوی موفقیت فردی خود جهت‌گیری نمی‌کنند، آنها هدف‌های فردی خود را در شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند کنش‌های خود را بر مبنای تعاریف مشترک از وضعیت، هماهنگ کنند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۰).

مدل مبتنی بر کنش تفاهمی مشارکت جویانه بر این ایده استروم تأکید می‌کند که یک اجتماع از کاربران یک منبع مشاع عمومی، یک جنگل، یک چراگاه، یک دریاچه، و... در غیاب سازوکار بازار و در غیاب مقررات پردازی و نظارت‌گری دولت، گاه قادر هستند خود روشی برای سازمان‌دهی مناسب استفاده کاربران از آن منبع مشاع بیابند، آن‌گونه که هیچ تراژدی اتفاق نیفتد (Ostrom, 1990: 3).

در این پژوهش به نظر می‌رسد کسانی که کنش تفاهمی مشارکت جویانه را نمایندگی می‌کنند روایت خود را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی دشت رفسنجان تعریف کرده و حیات این منطقه را به حصول تفاهم و اعتماد وصل می‌کنند و کسانی که کنش عقلانیت راهبردی را نمایندگی می‌کنند تا حد زیادی از بستر اقتصادی، اجتماعی و تاریخی دشت فاصله می‌گیرند و در نتیجه جست‌وجوی منافع قابل‌محاسبه اقتصادی در انتخاب و پذیرش نوع حکمرانی، برای آنان اهمیت پیدا می‌کند.

## منابع

- ابطحی، محمود. (۱۳۷۷)، *تاریخ اقتصادی رفسنجان*، رفسنجان: توکل.
- استروم، الینور. (۱۹۹۵)، *فهم تنوع نهادی*، ترجمه: سید جمال‌الدین محسنی زنوزی. تهران: نشر دانشگاه امام صادق(ع).
- اخلاص‌پور، رؤیا. (۱۳۹۴)، *مدیریت جمعی بر منابع آب زیرزمینی*. کرمان: فانوس کرمان.
- آگاه، مهدی و حسنی، مریم. (۱۳۹۳)، *حقوق آب در فلات ایران؛ در بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی*، تهران: اندیشکده تدبیر آب ایران.
- دفتر مطالعات آب زیرزمینی استان کرمان، (۱۳۹۳)، *گزارش مطالعه موردی دشت رفسنجان* (سال آب ۹۲-۹۳) شرکت آب منطقه کرمان.
- حاتمی، عباس و نوربخش، سوسن. (۱۳۹۸)، *بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان بر اساس نظریه زمینه‌ای*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۳۰، شماره ۱: ۱۲۳-۱۴۲.
- سازمان بین‌المللی همکاری و توسعه اقتصادی. (۱۳۹۶)، *یاریگری گروداران در حکمرانی فراگیر آب*، ترجمه: حمیدرضا درودیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- غفوری فرد، سمیرا؛ باقری، علی و شجری، شاهرخ. (۱۳۹۴)، *ارزیابی ذی مدخلان در بخش آب؛ مطالعه موردی محدوده مطالعاتی رفسنجان*. *نشریه تحقیقات منابع آب ایران*، سال یازدهم، شماره ۲: ۱۶-۲۸.
- فرزانه، محمدرضا؛ باقری، علی و مؤمنی، فرشاد. (۱۳۹۵)، *تحلیل بستر نهادی سیستم منابع آب زیرزمینی محدوده رفسنجان با رویکرد پویایی سیستم*. *مجله علمی- پژوهشی تحقیقات منابع آب ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲: ۸۲-۶۷.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۳)، *ساخت جهانی همکاری؛ همه‌گامی و همه‌جایی بودن انواع جوهری یاریگری و مشارکت*. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، شماره ۲۶: ۱-۲۳.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ دانایی، ابوالفضل و جامع، رقیه. (۱۳۸۸)، *ارتباطات توسعه در جهان سوم*، تهران: نشر رسا.
- مرتضوی، سیده مصطفی؛ سلیمانی، کریم و غفاری موفق، فرشته. (۱۳۹۰)، *مدیریت منابع آب و توسعه پایدار*، مطالعه موردی: دشت رفسنجان، *نشریه آب و فاضلاب*، دوره ۲۲، شماره ۲، مسلسل ۷۸: ۱۲۶-۱۳۱.

– هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴)، *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه: کمال پولادی، تهران: انتشارات موسسه ایران.

- Carmichael, C., Danks, C., & Vatovec, C. (2019). *Assigning Blame: How Local Narratives Shape Community Responses to Extreme Flooding Events in Detroit, Michigan and Waterbury, Vermont*. Environmental Communication.
- Collins, G. (2017). *Iran's Looming Water Bankruptcy*.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage publications.
- Kitzinger, J., & Barbour, R. (Eds.). (1999). *developing focus group research: politics, theory and practice*. Sage.
- Madani, K. (2014). "Water Management in Iran: What is causing the Looming Crisis?" *Journal of Environmental Studies and Sciences*, 4(4): 315-328.
- Mehryar, S., Sliuzas, R., Sharifi, A., Reckien, D., & van Maarseveen, M. (2017). A structured participatory method to support policy option analysis in a social-ecological system. *Journal of environmental management*, 197, 360-372.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge university press.